فصلنامه علمی _ترویجی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره شانزدهم، پاییز ۱۳۹۵- صفحات ۲۳۰-۲۰۳

امکان سنجی مدل سازی بانکداری بدون ربا بر پایه تئوری عقلانیت میانه مالی

یداله دادگر[۱]
اکبر کشاورزیان پیوستی[۲]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۲/۸ **تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۶/۱۵**

چکیده

پس از بحران مالی ۲۰۱۲-۲۰۰۷صاحب نظران و سیاست گذاران مالی و بانکی یک سلسله اصلاحات در بازارهای مالی را عملیاتی کرده اند. می توان اینها را در چارچوب تئوری انتخاب عقلانی میانه بازار مالی، نامید.با توجه به جایگاه بالای اصول عقلانیدر آموزه های مالی اسلام، تجربه بانکداریبدون ربا درتعدادی از کشورهاونهادینه شدن عقلانیت در اقتصاد می توان مدل بانکداری بدون ربا را بر مبنای عقلانیت میانه مالی طراحی کرد. یک شرط تدوین چنین مدلیآماده بودن بسترهای سخت‌افزاری و نرم‌افزاری به‌ویژه شفافیت آمار و اطلاعات مالی و امکان نظارت بر تراکنش‌های مالی مشتری (طرف معامله یا شریک در قراردادهای اعتباری) است. ابزار دیگر توجه به نظراجماع عقلای مالی (وکارشناسان بانکی) می‌باشد. هدف دیگر این مقاله برجسته ساختن چالش‌های نظام بانکی ایران به دلیل دور شدن از پایه‌های عقلانیت مالی است. روش بررسی در این مقاله، روش تحلیل منطقی و تحلیل آماری بوده و در جمع‌آوری داده‌ها از روش مطالعه اسنادی استفاده شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که برای برپایی الگوی بانکداری استاندارد در کشور، نظام تصمیم‌گیری باید با تکیه بر عقلانیت متعادل در فکر رفع چالش‌های بخش‌های پولی و بانکی باشد. برخی از این چالش ها شامل فقدان انسجام در بازار مالی، تناقض در کارکردهای بازار پول و سرمایه، نبود نگاه بنگاه اقتصادی به بانک‌ها، منطقی نبودن نرخ سود بانکی، عدم شفافیت در اطلاعات مالی مشتری، فقدان رویه منطقی در تقسیم سود مشاع هستند. بر اساس یافته‌های این مقاله می‌توان نوعی الگوی بانکداری را آزمون کرد که از یک سو کارآمدتر از وضع موجود است و از سوی دیگر با شریعت سازگار بوده و با دستگاه مالی مدرن جهانی نیز همراهی لازم را دارد.

واژگان کلیدی: عقلانیت میانه مالی، امکان سنجی طراحی مدل، بانکداری بدون‌ربا
طبقه بندی JEL: G29

---

۱. استاد اقتصاد دانشگاه شهید بهشتی
۲. دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه مفید

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-11]

۱- مقدمه

به دلیل انحراف از عقلانیت مالی، نظام مالی از جمله بازار پول ایران، شاهد چالش‌های زیادی می‌باشد. به نظر می‌رسد می‌توان برای عبور از این چالش‌ها نمونه‌هایی از الگوی بانکداری بدون‌ربا را با تکیه بر عقلانیت میانه مالی طراحی نمود. پس از بحران مالی ۲۰۱۲-۲۰۰۷ یک سری بسته‌های عملیاتی برای هدایت بازارهای مالی طراحی و مورد عمل واقع شده است. این بسته را می‌توان استوار بر نوعی عقلانیت مالی میانه نامید. عقلانیت مالی میانه در مقابل عقلانیت مالی ابزاری و مطلق بکار می‌رود. عقلانیت مالی ابزاری و مطلق، با رهاسازی مقررات مالی، اعطای اعتبارات وسیع به تمامی متقاضیان (بدون بررسی توان پرداخت آن‌ها) همراه است. در عقلانیت مالی میانه توجه به مقررات و نظارت تعریف شده دستگاه مالی مورد تاکید می‌باشد (Wise etal 2015). وقتی اصول مالی شریعت بطور عمیق مورد بررسی واقع می‌شود، سازگاری معنی‌داری بین آنها و الگوهای اصلاحی مورد نظر مشاهده می‌شود. زیرا این الگوها بر سود و یا بهره منطقی، مقررات‌گذاری تعریف شده، فعالیت حقیقی (و غیر صوری مالی)، مخالفت با سفته‌بازی کاملا صوری، رعایت کدهای اخلاق کسب و کار، شفافیت آمارها، نظارت اساسی بانک مرکزی و بررسی توان وام و اعتبار گیرندگان استوار است. ساختار و کارکرد بانکداری و مالیه بدون‌ربا در ایران فاصله زیادی هم با اصول شریعت و هم با عقلانیت مالی دارد. در اینجا برای روشن شدن موضوع، برخی ابعاد دستگاه مالی ایران مورد اشاره واقع می‌شود.

۱- به عنوان مثال بازار پول و نظام بانکی ایران به تأمین مالی بلندمدت می‌پردازد. این در حالی است که در مالیه عقلانی، بازار پول و نظام بانکی به تامین مالی کوتاه مدت اقدام می‌کنند.

۲- به دلیل بانک‌محور بودن نظام مالی ایران، تقریباً همه تقاضاهای سرمایه‌گذاری به سمت بانک‌ها هدایت شده و حتی در بودجه‌های سنواتی نیز برای بانک‌ها تکالیفی با ماهیت تشکیل سرمایه ثابت تدوین می‌شود.

۳- نرخ سود حقیقی که به‌عنوان یک ابزار مهم سیاست پولی و تنظیم کننده بازار مالی است، در اکثر سال‌های سه دهه اخیر (کارکرد بانکداری بدون ربا در دوره ۱۳۶۳ تا ۱۳۹۳) منفی بوده است. در نتیجه سپرده‌گذاران متضرر شده و تسهیلات گیرندگان نفع برده‌اند.

۴- عقلانی نبودن نرخ سود سپرده‌ها و تسهیلات، بانک‌ها و موسسات اعتباری را به سمت عملکردهای غیرمنطقی هدایت می‌کند. به این صورت که این موسسات برای سودآور نمودن ترازنامه و نشان دادن سود به سهامداران، به سمت حساب آرایی حرکت می‌کنند یا با ورود به بخش‌های سودآور در قالب شرکت‌های وابسته حرکت کرده و بازارهای مختلف را دچار شوک می‌نمایند.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-11]

۵- سیطره اصلی پول و بانک با دولتی‌ها و شبه دولتی‌ها است. به دلیل بانک محور بودن توسعه در ایران، بانک‌های دولتی از یک سو به عنوان واحدهای اثربخش در افزایش تولید ناخالص داخلی مطرح هستند. اما از سوی دیگر این بانک ها در تدوین استراتژی خود با ابهام روبرو بوده و با توجه به نابسامانی انواع مقررات حاکم، نمی‌دانند که در جایگاه یک بنگاه اقتصادی هستند (که به حداکثرسازی سود و منافع بپردازند) و یا یک ابزار در دست دولت هستند.

۶- فقدان متولی قدرتمند در بازار پول کشور باعث شده که موسسات مختلف بدون مجوز بانک مرکزی[1] به فعالیت بانکی و انواع خدمات مجاز و غیرمجاز بپردازند و با پشتوانه‌های مالی و منابع مردم، اقتصاد کشور را با بحران مواجه نمایند.

۷- این روند باعث بوجود آمدن فضای رقابتی ناسالم در بازار پول شده و بانک‌ها و موسسات اعتباری در عرصه رقابت دست به اقداماتی غیراستاندارد می‌زنند تا سهم بازاری خود را افزایش دهند. این در حالی است که دستگاه مالی کشور خود را منطبق بر شریعت معرفی می‌کند که البته نه با مفاد آموزه‌های دینی سازگاری کافی دارد و نه با چارچوب مالیه استاندارد. مطالعات انجام شده در ادبیات موضوع عقلانیت مالی و اقتصادی در ایران اندک است. برخی نویسندگان از عقلانیت فراگیر یا عقلانیت گسترش یافته در آموزه های اسلامی نام برده و سازگاری آن آموزه‌ها را با رویکرد عقلانیت میانه مالی مورد تاکید قرار می دهند (دادگر و هادوی نیا ۱۳۹۲، ابراهیمی سالاری و دیگران ۱۳۹۱ ،دادگر و عزتی ۱۸۳۲). برخی مطالعات (دادگر و همکاران ۱۳۹۳) به امکان‌سنجی مقاومت مالیه اسلامی در بحران‌های مالی پرداخته نتیجه‌گیری می‌کنند که التزام واقعی به آموزه‌های اسلامی، ضمن توجه به عقلانیت، توان لازم جهت کاهش شدت بحران‌های مالی را دارد. برخی دیگر (زمانی و همکاران ۱۳۹۱) به نقد عقلانیت مطلق پرداخته و نتیجه می‌گیرند که آن با واقعیت قابل انطباق نیست. برخی نویسندگان اعتقاد دارند که فقه با عقلانیت اقتصادی سازگاری کافی دارد(El-Gamal, 2006Siddiqi,2004). بطور کلی مطالعات انجام شده در ادبیات موضوع نشان می‌دهد که مالیه شریعت با رویکرد میانه مالیه متعارف سازگار است. از این رو این مقاله در ادامه به امکان‌سنجی الگوسازی بانکداری کشور بر اساس مالیه میانه می پردازد. عقلانیت به عنوان یک پیش‌فرض رفتاری عاملان و کارگزاران اقتصادی در نظر گرفته می‌شود. در ادبیات قرن هفدهم، یک انسان اقتصادی تعریف شد که ویژگی‌های آن لذت جویی، حسابگری وخودخواهی بود(مینی، ۱۳۷۵). اصلی‌ترین دیدگاه‌های مؤثر بر شکل‌گیری مفهوم عقلانیت، عبارت بودند از: عقلگرایی،

---

۱. برخی از بانک ها و یا موسسات اعتباری نه تنها تحت نظارت دقیق بانک مرکزی نیستند بلکه حتی مراحل دقیق ثبت قانونی شرکت ها را هم نپیموده اند. مواردی از موسسات مالی کشور با تکیه بر بخش هایی از قدرت سیاسی و رانتی و با حمل کردن نامهای مقدس، بیشترین سوء استفاده را انجام میدهند.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-11]

فردگرایی، لذت‌جویی، انسان‌گرایی، طبیعت‌گرایی، مطلوبیت‌گرایی و آزادی‌گرایی، همراه با روح کلی مادی‌گرایی. از پس این مفاهیم، در ذهن نظریه‌پردازان اقتصادی، انسانی تجسم شد که بعدها انسان اقتصادی یا انسان عقلانی نامیده شد. به نظر ناسوسینیور، یک اصل اساسی اقتصاد کسب حداکثر ثروت و مطلوبیت با صرف کمترین امکانات بود (شومپیتر، ۱۳۷۷، ۷۹؛ ژید و ژیست، ۱۳۷۰، ۶۰). به مرور، این مفهوم به پی‌جویی نفع شخصی تکامل یافت و محور عقلانیت ابزاری شد. نفع شخصی به عنوان محرک اصلی در فعالیت‌های اقتصادی معرفی شد و عقلانیت، پی‌جویی این نفع تلقی شد. فرایند مذکور به گونه‌ای شکل گرفت که به عنوان یک قانون تلقی گردید. در رویکرد نئوکلاسیک‌های ارتدکس انسان با رفتار عقل ابزاری همانند یک ماشین منطقی مصون از خطا تلقی شده و مانند اتم در فیزیک حرکت می‌کرد(نمازی و دادگر،۱۳۹۰،ص۳۲). ایرادهایی نسبت به فرض عقلانیت ابزاری مطرح می‌شود. یکی تلقی مادی صرف از منفعت است. بر مبنای فلسفه لذت‌طلبی و مطلوبیت‌گرایی تلقی از منفعت مادی است، در حالی که بسیاری از اهدافی که به نوعی منفعت‌تلقی می‌شوند، می‌توانند در قالب‌های غیرمادی بگنجند. دوم تاکید بر فردگرایی است که انسان در تصمیم‌گیری فقط منافع خود را در نظر می‌گیرد و هیچ ملاک دیگری ندارد. اما بسیاری از افراد، منافع دیگران را نیز در بعضی از تصمیم‌گیری خود دخالت می‌دهند و به تعبیری، نوع دوستی را ملاک قرار می‌دهند. به دنبال این بود که صاحب نظران مالی و اقتصادی به الگوهای تعدیل شده مالی فکر کردند. این همان چارچوب عقلانیت میانه مالی است که این مقاله درصدد بررسی سازگارسازی بانکداری بدون ربا با آن می‌باشد (Medhora and Rolands 2014).

۲- مبانی عقلانی قانون عملیات بانکی بدون ربا

ادعا می‌شود که بانکداری در ایران پس از پیروزی انقلاب بر قانون و فعالیت مالی بدون ربا استوار است. اساس این قانون(قانون عملیات بانکی بدون‌ربا و ماده ۹۸ قانون برنامه سوم)، بانک‌ها می‌توانند از طریق عقود اسلامی اقدام به تجهیز و تخصیص منابع نمایند.

تجهیز منابع: بر اساس مادهٔ ۳ـ این قانون بانک‌ها می‌توانند تحت هر یک از عناوین ذیل به قبول سپرده مبادرت نمایند: سپرده‌های قرض‌الحسنه(جاریـ پس‌انداز)، سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار. درسپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار بانک در به کار گرفتن آنها وکیل می‌باشد، در امور مشارکت، مضاربه، اجاره به‌شرط تملیک، معاملات اقساطی و سرمایه‌گذاری مستقیم مورد استفاده قرار می‌گیرد. بر اساس مادهٔ ۴ـ بانک‌ها مکلّف به باز پرداخت اصل سپرده‌های قرض‌الحسنه می‌باشند و می‌توانند اصل سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار را تعهد و یا بیمه نمایند. بر مبنای مادهٔ ۵ـ منافع حاصل از عملیات مذکور، متناسب با مدت و مبالغ سپرده‌های سرمایه‌گذاری و رعایت سهم

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-11]

منابع بانک به نسبت مدت و مبلغ در کل وجوه به کار گرفته شده در این عملیات، تقسیم خواهد شد. با توجه به مادهٔ ۶ـ بانک‌ها می‌توانند به منظور جذب و تجهیز سپرده‌ها، با اتخاذ روش‌های تشویقی از امتیازات ذیل به سپرده‌گذاران اعطا نمایند: جوایز غیرثابت نقدی یا جنسی برای سپرده‌های قرض‌الحسنه، تخفیف و یا معافیت سپرده‌گذاران از پرداخت کارمزد و یا حق‌الوکاله و دادن حق تقدم به سپرده‌گذاران برای استفاده از تسهیلات بانکی.

تخصیص منابع: شیوه‌هایی که بانک‌ها بر اساس قانون عملیات بانکی بدون‌ربا (مواد ۷ تا ۱۷) می‌توانند تخصیص منابع و اعطای تسهیلات کنند، به چهار گروه تقسیم می‌شوند:

۱ـ قرض الحسنه.

۲ـ عقود مبادله‌ای.

۳ـ عقود مشارکتی.

۴ـ عقود تعهدی و قراردادی.

تفکیک عملیات مبتنی بر قرض و معامله

در بانکداری ایران بین عقد قرض و دیگر عقدها تفکیک صورت گرفته است. به این صورت که ربا در عقد قرض با شرط دریافت زیادتی محقق می‌شود که مجاز نمی‌باشد. اما در سایر عقود اسلامی، دریافت سود مجاز بوده بر پایه معامله‌ای است که بانک با مشتری انجام می‌دهد. بنابراین در سایر عملیات بانکی که بر مبنای عقد وکالت یا سایر عقود اسلامی است، ربا مطرح نیست. بانک‌ها از طریق قرارداد قرض بدون بهره و قرارداد وکالت (سپرده‌سرمایه‌گذاری مدت‌دار) اقدام به جذب سپرده‌های مردم می‌نمایند. منابع حاصل از قرض مربوطه به مالکیت بانک‌ها درمی‌آید. بانک‌ها از لحاظ قانونی مکلفند سپرده‌های قرض الحسنه پس‌انداز را تنها به مصرف وام قرض‌الحسنه و سپرده‌های قرض بدون بهره را به سایر مصارف اختصاص دهند. در این صورت در بخش جذب و تجهیز منابع، ربا حذف می‌شود. در بخش تخصیص منابع نیز بانک با تفکیک کامل عقد قرض بدون بهره با سایر عقود، بانک تنها اقدام به اخذ کارمزد در این زمینه می‌نماید. از سوی دیگر، سهم تسهیلات قرض بدون بهره از کل تسهیلات اعطایی در نظام بانکی یک کشور اسلامی مثل ایران، پایین‌تر از ۱۰ درصد است (گزارش عملکرد نظام بانکی کشور، ۱۳۹۳). به عبارت دیگر حجم قابل توجهی از منابع بانک‌ها در قالب سایر عقود و با اخذ سود از معاملات مربوطه انجام می‌شود. بنابراین در بخش تخصیص منابع نیز، ربا مطرح نمی‌باشد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-11]

استواری بانکداری بدون‌ربا بر اقتصاد حقیقی:

استواری نظام بانکی بدون‌ربا بر اقتصاد حقیقی به عنوان یکی از مهمترین نقطه قوت‌های این بانکداری مطرح است. این موضوع ضمن داشتن توجیه عقلانی، باعث ایجاد ظرفیت روش جدیدی برای تعیین سهم سرمایه از تولید بوجود آید. بانکداری مبتنی بر اقتصاد حقیقی این قابلیت را دارد که یک پیوند منطقی بین صاحبان سرمایه و سود واقعی حاصل از فعالیت اقتصادی ایجاد نماید. به‌نظر می‌رسد این یکی از بهترین روشها برای ایفای رسالت استاندارد "واسطه‌گری مالی" به حساب آید. همینطور استواری بانکداری بر اقتصاد واقعی از بحران‌های مالی که ریشه در کاربرد وسیع اعتبارات غیرواقعی و اوراق بهادار بدون منطق مالی جلوگیری می‌کند. از این رو برپا کردن بانکداری بدون ربا با منطق عقلانیت میانه مالی و با استفاده از اجماع عقلا (کارشناسان بانکی و اقتصادی) در کشورهای اسلامی و غیراسلامی می تواند مورد استقبال باشد.

۳- سازگاری بانکداری بدون ربا با عقلانیت متعادل مالی

مطالعات نشان می‌دهند که اجرای دقیق مالیه شریعت در امور بانکی می‌تواند قدمی به پیش در ساماندهی بازارهای مالی باشد بوده و اثربخشی معنی‌داری در رشد و توسعه کشورها داشته باشند(Rosly,2005). یک سری چالش‌ها در اقتصاد ایران همانند تورم و بیکاری مزمن، استواری هزینه‌های بخش عمومی بر نفت و فقدان دستگاه استاندارد مالیاتی، تغییر در نقش و کارکرد پول، بی‌توجهی به اجماع عقلا، فقدان شفافیت آمار و اطلاعات مالی، فقدان ابزارهای نظارت اثربخش در انضباط مالی و... باعث شده است که بانکداری ایران از بالندگی لازم برخوردار نباشد. در ادامه به مهم‌ترین این چالش‌ها پرداخته می‌شود. در عصر تشریع، دولت به مفهوم امروزی مطرح نبود و حاکمیت در اقتصاد دخالت نمی‌کرد. امور اقتصادی در دست بخش خصوصی بوده و دولت بیشتر به ایجاد امنیت می‌پرداخت. به دلیل فقدان پول اعتباری و رواج طلا و نقره، مبادله با ملل مختلف از پیچیدگی کنونی برخوردار نبوده است. جالب توجه است که حاکمان برای موفقیت در این عرصه از عقلانیت اقتصادی و اجماع اندیشمندان استفاده می‌کردند (Goldman 2011, Rodinson 2007,Hanna 2002). تاکید برخی فقها بر تفاوت ماهوی تجارت در صدر اسلام و دنیای معاصر و تاکید ایشان بر تفاوت حکم شرعی در این رابطه بسیار معنادار است(مطهری ۱۳۶۴). ارزش ذاتی پول فلزی در عصر تشریع، پدیده تورم را تقریبا بی‌مفهوم ساخته بود. اما امروزه تورم موضوعی است که نظام اقتصادی و سیستم پولی و بانکی کشورها را به چالش کشیده و به معظلی برای سیاست‌گذاران تبدیل شده است. به‌طوری که با وجود تورم، به قرض دهنده نیز ظلم می‌شود. از این رو برای مرتفع نمودن این گونه دشواری‌ها، بهره‌گیری از عقلانیت میانه مالی الزامی است. در عصر تشریع، به دلیل سطح پایین تکنولوژی، نیروی کار نقش بنیادی در تولید داشته و نقش سرمایه ناچیز بوده‌است. این در حالی است که در دنیای امروز،

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-11]

سرمایه نقش اساسی داشته و بدون آن نمی‌توان فرایندهای تولیدی وسیع را راه‌اندازی کرد. بر این اساس نقش ذخیره ارزش پول برای راه‌اندازی بنگاه‌های اقتصادی بیشتر شده که بایستی با نگرش جدید بررسی شود(Askari etal 2009). بانک‌ها در ایران در اجرای عقود مختلف به ویژه عقود مشارکتی عملکرد قابل قبولی نداشته‌اند. در اکثر قراردادهای مشارکتی، مشکل محاسبه سود واقعی وجود داشته که بر حسب مورد موجب تضییع حقوق بانک، سپرده‌گذاران و شرکای بانک (مشتریان اعتباری) می‌شود. این عملکرد بانک‌ها که در بیشتر موارد عامل برون‌سازمانی دارد و به فضای کسب و کار و بازار پول مربوط می‌شود، باعث شده که اعتماد مردم به عملکرد بانکداری بدون‌ربا کم شود. این در حالی است که اعتماد به کسب و کار هم در آموزه های اسلامی بالاترین جایگاه را دارد و هم در منطق اقتصادی. ریشه بسیاری از نابسامانی‌های اقتصاد مدرن و بحران‌های مربوطه نیز به عدم اعتماد به کسب و کار برمی‌گردد (Awitney and Zavala 2014).

۱-۳- تحلیل چالش‌های نظام بانکی با محور عقلانیت مالی متعادل

در این قسمت به یک سری از چالش‌های نظام بانکی اشاره می‌شود که به دلیل مبتنی نبودن تصمیمات و کارکردها با مبانی عقلانیت بوجود آمده است.

نبود استاندارد لازم در بازار مالی:

یکی از مشکلات نظام تأمین مالی در ایران نبود استاندارد و هماهنگی لازم در بازار پول و سرمایه است. به‌عنوان مثال، بازار سرمایه به‌دلیل ورود وسیع بانک‌ها و بازار پول به این عرصه، نقش قابل قبولی در تأمین مالی ندارند. حتی انتشار اوراق صکوک (ابزار بازار سرمایه) تا به حال بیشتر در بازار پول منتشر شده است. همچنین گستردگی بازار پول و تمرکز سیاست‌های دولت‌ها به هدایت منابع نظام بانکی برای تحقق اهداف مورد نظر، به سیطره نظام بانکی در عرصه تأمین مالی دامن زده است.

سهم نسبی بازار پول، سرمایه و بیمه در تامین مالی:

بازار پول در ایران بازار سرمایه را به حاشیه رانده است. به طوری که حجم منابع مالی که به سوی بازار سرمایه جریان می‌یابد، تنها ۳ درصد منابع جریان یافته به سوی بانک‌ها است. سهم تأمین مالی نظام بانکی از کل نظام تأمین مالی کشور بیش از ۹۰ درصد می‌باشد. این نشانه ناکارآمدی بازار سرمایه و ناسازگاری دستگاه مالی است. مجموع تامین مالی انجام شده از طریق بورس اوراق بهادار (شامل عرضه اولیه، اوراق مشارکت شرکت‌های بورسی و افزایش سرمایه شرکت‌های مذکور) و بورس کالا از رقم ۴۴۷۴۳ میلیارد ریال در سال ۱۳۸۴به رقم ۷۷۸۹۱ میلیارد ریال در سال ۱۳۸۸ رسیده است. مجموع تامین مالی انجام شده از طریق بورس اوراق بهادار نسبت به مانده تسهیلات

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-11]

اعطایی بانک‌ها و موسسات اعتباری به بخش خصوصی طی سال‌های ۱۳۸۸- ۱۳۹۱ به طور متوسط پایین‌تر از ۳ درصد بوده است. همچنین مجموع تامین مالی انجام شده از طریق بورس اوراق بهادار و بورس کالا در همان دوره به طور متوسط کمتر از ۵ درصد بوده است. مبلغ کل سرمایه گذاری شرکت‌های بیمه اعم از سرمایه‌گذاری کوتاه مدت به صورت سپرده‌های بانکی، اوراق مشارکت و سرمایه گذاری در سهام بورسی و غیربورسی، وام، تسهیلات، گواهی سپرده و سرمایه گذاری‌های بلندمدت در مقایسه با تأمین مالی از طریق بانک‌ها بسیار پایین (کمتر از ۱ درصد) بوده است. این امر شاهدی بر نقش کمرنگ شرکت‌های بیمه در تأمین مالی کشور می‌باشد (گزارش معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۹۰). بنابراین وضعیت عمومی بازارهای مالی در ایران با استانداردهای دستگاه مالی بهینه فاصله شدیدی دارد. جدول (۱) نسبت تامین مالی از طریق بورس را به مانده تسهیلات بانکی نشان می‌دهد.

جدول ۱. نسبت تامین مالی انجام شده از طریق بورس اوراق بهادار به مانده تسهیلات اعطایی نظام بانکی

شرح	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱
سهم بازار سرمایه از تأمین مالی کشور	۴/۹	۵/۲	۴/۴	۵/۱	۵/۵

ماخذ: گزارش سالانه سازمان بورس سالهای مختلف

۲-۳- تحلیل دیگر چالش‌های بازار مالی بر مبنای عقلانیت

کارایی بازار پول:

برای ارزیابی بانک محور بودن یا سرمایه محور بودن بازار مالی از شاخص‌های فعال بودن، اندازه نسبی و کارایی به صورت زیر استفاده می‌شود:

$$\text{شاخص فعال بودن بازار} = \frac{\text{ارزش بازار معاملات سهام}}{\text{تسهیلات اعطای بانک‌ها}}$$

$$\text{شاخص اندازه نسبی بازار} = \frac{\text{ارزش جاری بازار سهام}}{\text{کل دارایی‌های بانک‌ها}}$$

$$\text{شاخص کارایی بازار} = \frac{\text{هزینه بالاسری بانک‌ها}}{\text{کل دارایی‌های بانک‌ها}} \times \frac{\text{ارزش معاملات بازار سهام}}{\text{ارزش جاری بازار سهام}}$$

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-11]

محاسبات انجام شده در خصوص شاخص‌های فـوق در جـدول (۲) نشـان داده شـده اسـت. در ضمن چنانچه لگاریتم شاخص فعال بودن از ۲- کمتر و لگاریتم شاخص اندازه نسـبی بـازار از ۰/۶- کمتر باشد، نظام مالی، بانک محور است.نتایج بررسی ها نشان می دهد که بازار مالی در ایران بطور اساسی بانک محور است(پاشایی‌فام و کشاورزیان ۱۳۹۰).

جدول ۲. بررسی شاخص‌های ارزیابی بازار مالی

شرح (ارقام به میلیارد ریال)	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲
ارزش جاری بازار سهام	۶۵۱,۴۲۸	۱,۱۱۵,۶۳۶	۱,۲۸۲,۵۰۷	۱,۷۰۷,۴۹۸	۳,۸۶۵,۹۷۰
ارزش سهام مورد معامله	۱۸۴,۱۶۶	۲۱۸,۰۵۴	۲۲۶,۴۴۷	۲۵۷,۰۷۲	۹۶۴,۱۹۸
تسهیلات اعطایی بانک‌ها	۲,۵۰۱,۹۹۸	۳,۴۸۲,۶۲۹	۴,۱۵۵,۳۲۲	۵,۰۴۹,۳۲۹	۶,۱۶۴,۵۰۲
کل دارایی های بانک‌ها	۴,۹۹۷,۴۳۹	۶,۷۰۵,۷۹۹	۸,۰۰۲,۷۶۹	۹,۴۹۳,۰۴۱	۱۳,۳۱۹,۶۱۹
هزینه‌های بالاسری بانک‌ها (پرسنلی و اداری و عمومی)	۷۲,۴۳۷	۸۷,۵۴۹	۱۰۶,۳۶۳	۱۳۲,۹۷۶	۱۴۵,۰۳۳
شاخص فعال بودن	۰.۰۷	۰.۰۶	۰.۰۵	۰.۰۵	۰.۱۶
شاخص اندازه نسبی بازار	۰.۱۳	۰.۱۷	۰.۱۶	۰.۱۸	۰.۲۹
شاخص کارایی بازار	۰.۰۰۴۱	۰.۰۰۲۶	۰.۰۰۲۳	۰.۰۰۲۱	۰.۰۰۲۷
لگاریتم شاخص فعال بودن	-۲.۶۱	-۲.۷۷	-۲.۹۱	-۲.۹۸	-۱.۸۶
لگاریتم شاخص اندازه نسبی بازار	-۲.۰۴	-۱.۷۹	-۱.۸۳	-۱.۷۲	-۱.۲۴
لگاریتم شاخص کارایی بازار	-۵.۵۰	-۵.۹۷	-۶.۰۵	-۶.۱۶	-۵.۹۱

ماخذ: گزارش سازمان بورس و اوراق بهادار، نماگرهای بانک مرکزی ایران

همچنین لگاریتم شاخص کارایی کوچکتر از ۶,۳- نشان دهنده این است که کارایی بانک بیشتر از بازار سرمایه است. این شاخص برای ایران نشان می‌دهد که کارایی بانک‌ها نسبت به بازار سرمایه در وضعیت بهتری قرار دارد. برای طراحی مدل بانکداری بر مبنای عقلانیت میانه مالی، بایستی نقش بازار سرمایه تقویت شود. یکی از روش‌های انجام این تقویت، سپردن اداره عمومی صکوک به بازار سرمایه و کاستن تدریجی دخالت نظام بانکی در انتشار اوراق مربوطه و مشابه آن می‌باشد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-11]

تناقض در کارکردهای بازار پول و سرمایه:

بطور معمول خرید و فروش وجوه اعم از اعتبار بانکی، اوراق بهادار و سهام در بازارهای مالی انجام می‌شود. در بخشی از این بازارها وام یا ادعای مالی در مقابل پول مبادله می‌شود. در بازار پول برای مدت زمان کوتاه وام داده می‌شود ولی در بازار سرمایه منابع برای مدت زمان طولانی وام داده می‌شود. اما بر خلاف روند معمول و استاندارد، مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که قبل از ورود بانک‌های خصوصی به عرصه بانکداری کشور در دهه ۱۳۸۰، اغلب تسهیلات اعطایی بانک‌ها به بخش سرمایه ثابت به بازپرداخت بلندمدت اختصاص می‌یافت. بررسی یک بانک تجاری نمونه در سال ۱۳۹۳ نشان می‌دهد که دوره بازپرداخت تسهیلات اعطایی معادل ۵۵ ماه می‌باشد که حکایت از کارکرد غیرعقلایی بانک دارد. جدول ۳ به بررسی دوره بازپرداخت تسهیلات اعطایی به تفکیک بخش‌های مختلف اقتصادی در یک بانک دولتی نمونه می‌پردازد.

جدول ۳. دوره بازپرداخت تسهیلات اعطایی به تفکیک بخش‌های اقتصادی در یک بانک تجاری نمونه

	شرح	تعداد	ماه
۱	صنعت و معدن	۳۹،۸۰۵	۲۳
۲	کشاورزی	۷۵،۱۷۴	۲۶
۳	مسکن و ساختمان	۲۸۲،۹۷۲	۱۰۰
۴	بازرگانی	۴۹،۱۷۵	۱۳
۵	خدمات	۴۶۰،۷۵۹	۳۹
۶	جمع	۹۰۷،۸۸۵	۵۵

یکی از دلایل بی ثباتی هم در بازارهای مالی و هم در متغیرهای کلان حتی درکشورهای پیشرفته، وابستگی سیاسی بانک مرکزی به دولت و عدم استقلال آن بوده است. بر همین اساس کشورهای مختلف برای استقلال بانک مرکزی بیشترین تلاش را به‌عمل می‌آورند(Friedman and Woodford, 2011). استقلال بانک مرکزی به‌معنی عدم هماهنگی بین سیاست‌های پولی و مالی نبوده بلکه به مفهوم استاندارد شدن تصمیم مقامات پولی بر اساس کارشناسی علمی و بدون هرگونه سیطره و فشار سیاسی است. روند متغیرهای اقتصادی مرتبط با بانک مرکزی در ایران بیشتر تحت تأثیر درآمدهای حاصل از صادرات نفت و مشتقات آن بوده‌است (سیف،۱۳۹۲). یک موضوع اصلی در این رابطه در ایران تأمین کسری بودجه دولت می‌باشد که بطور اساسی از طریق استقراض از بانک مرکزی صورت

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-11]

می‌گیرد. این امر خود بر استقلال بانک مرکزی آسیب جدی وارد می‌سازد. مهمترین کانال تأثیرگذاری سیاست مالی بر سیاست پولی، حق‌الضرب یا سینیوریج[1] می‌باشد (افشاری، ۱۳۷۸). ارتباط سیاست‌های مالی و پولی در ایران به دلیل درآمدهای ارزی حاصل از فروش نفت و تبدیل آنها به پول داخلی در بانک مرکزی و متأثر شدن پایه پولی از این طریق فراتر از بحث سینیوریج می‌باشد. در ایران سلطه سیاست مالی بر سیاست پولی همواره مشهود بوده است. در ایران مبنای افزایش مخارج دولت، درآمدهای مالیاتی نبوده بلکه با افزایش درآمدهای نفتی، مخارج دولت در قالب بودجه افزایش می‌یابد و کانال تزریق نقدینگی به اقتصاد کشور شکل می‌گیرد. در برخی مواقع، دولت فراتر از این کانال، با بی‌انضباطی مالی باعث کسری بودجه شده که آن را هم از طریق بدهکار شدن به بانک مرکزی تامین کرده است. افزایش درآمدهای نفتی و بی‌انضباطی مالی و تأثیر آن بر اجزای پایه پولی در نمودار شماره ۱ نشان داده شده است.

نمودار ۱. مقایسه درصد تغییرات درآمدهای دولت و پایه پولی ۹۲-۱۳۸۳

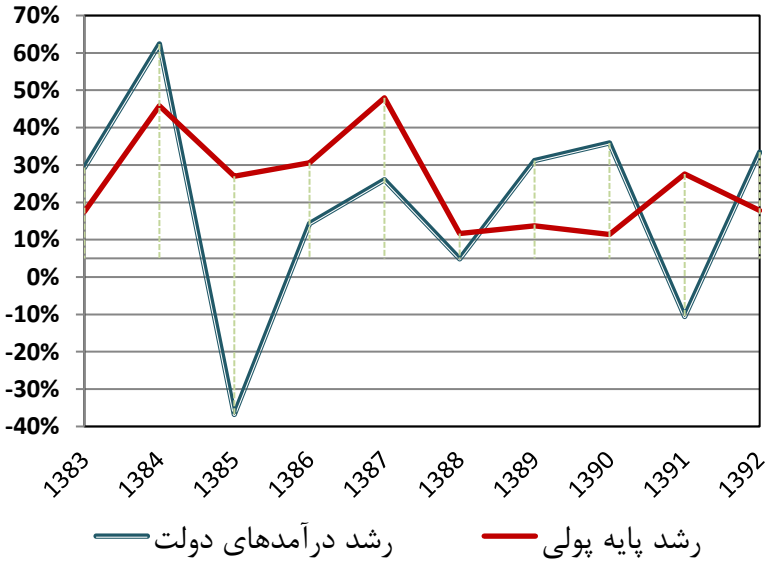

منبع: آمارهای بانک مرکزی ایران، سال‌های مختلف

1. Seniorage

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-11]

موضوع این است که در دوره مورد بررسی، از یک سو سیاست مالی (از مسیر رشد درآمدهای دولت) بر سیاست پولی (به شکل رشد پایه پولی) تأثیر گذاشته است. از سوی دیگر بانک مرکزی ابزار مناسبی برای کنترل نقدینگی در اختیار نداشته است. بنابراین، سیاست مالی بر اقتصاد کشور تسلط یافته و سیاست پولی را تحت تأثیر قرار داده است. نمودار شماره ۲ با نشان دادن روند تغییرات متغیرهای درآمد دولت و پایه پولی گوشه ای از تسلط سیاست مالی بر سیاست پولی را بیان کرده است.

نمودار ۲. مقایسه روند متغیرهای درآمد دولت و پایه پولی ۹۲-۱۳۸۳

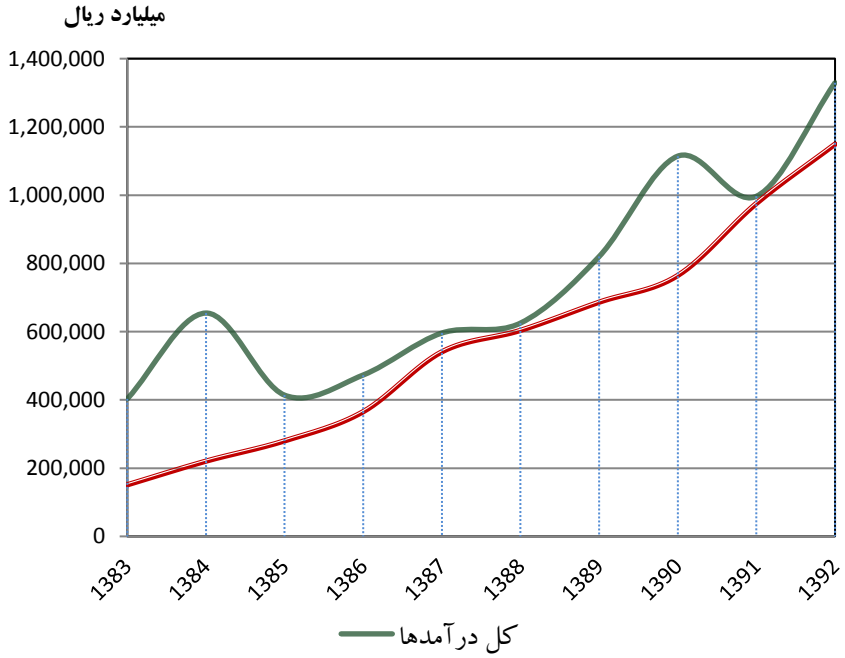

منبع: آمارهای بانک مرکزی ایران، سال‌های مختلف

نکته قابل توجه آنکه سیاست‌های پولی که بایستی در جهت کنترل نقدینگی عمل می‌نمود، برعکس عمل کرده و نرخ سود نظام بانکی بر اساس تصمیم دولت کاهش یافته است. همچنین نرخ سپرده قانونی از ۱۷ درصد در سال ۱۳۸۳ به ۱۳/۵ درصد در سال ۱۳۹۲ رسیده است. برای زمینه سازی طراحی مدل بانکی کشور بر پایه عقلانیت متعادل مالی لازم استنظام مالی از دور باطل ایجاد نقدینگی مزمن رها شود. یکی از مهمترین راهکارهای خروج از این دور، استقلال بانک مرکزی است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-11]

فقدان نگاه بنگاه اقتصادی به بانک‌ها:

بانک‌ها به‌ویژه بانک‌های دولتی در ایران به روشنی نمی‌دانند چه رسالت و هدفی در بازار پول دارند. این ابهام در اهداف، جلوی برنامه‌ریزی و سازماندهی استاندارد را گرفته و در حقیقت بانک‌ها بر اساس تحقق اهداف اقتصادی یا حمایتی دولت، امور خود را پیش می‌برند. این در حالی است که بر اساس رسالت سازمانی نظام بانکی و بر اساس قانون بانکداری بدون‌ربا، بانک‌ها وکیل سپرده‌گذاران هستند تا منابع جمع‌آوری شده را در بالاترین نرخ بازده، سرمایه‌گذاری نمایند. همچنین برای تحقق اهداف اقتصادی به‌ویژه اهداف رشد و توسعه، تنها زمانی یک سیستم مالی و اقتصادی در شرایط بهینه است که سرمایه‌گذاری‌های آن به سمت بالاترین بازدهی حرکت نمایند. بانک‌ها می‌توانند با تخصیص بهینه منابع به طرح‌های سودآور، ضمن تأمین نظر موکلین خود، سودآوری منابع بانک را هم بالا برند. برای اینکه نظام تأمین مالی کشور بتواند اهداف رشد و توسعه اقتصادی را محقق سازد، بایستی نگرش دولت و مقامات پولی نسبت به بازار پول و بانک‌اصلاح و بر پایه عقلانیت مالی سازماندهی شود. الگوی مالی عقلانی میانه بر تخصیص بهینه منابع مالی، نگاه بنگاه محوری سازگار به بانک، بهبود فضای کسب و کار، رعایت کدهای اخلاقی و نظارت اساسی بانک مرکزی تاکید دارد. برخی از موسسات مالی و اعتباری فعال در ایران از بانک مرکزی پیروی نمی‌کنند و برخی نیز فاقد هیچگونه مجوزی هستند. تعداد این موسسات مالی و غیر استاندارد بسیار زیاد است. بر اساس اظهارات مقامات پولی بانک مرکزی ایران بالای ۱۰ درصد نقدینگی کشور در دست موسسات فاقد مجوز است.

منطقی نبودن نرخ سود در نظام بانکی:

یک عامل ناکارایی و انحراف در تخصیص منابع در نظام بانکی ایران، غیرمنطقی و رانتی بودن نرخ سود تسهیلات بانکی است. صاحب نظران اقتصادی کشور اذعان دارند که کمبود نقدینگی در بنگاه‌های اقتصادی وجود دارد. منطق اقتصادی حکم می‌کند که در دوره کمبود منابع، نرخ تجهیز و تخصیص (نرخ سود) باید بالا باشد. اما در بازار پول ایران عکس این موضوع حاکم است. با توجه به نرخ تورم در اغلب دوره‌ها، سپرده‌ها با نرخ سود حقیقی منفی مواجه هستند. بنابراین مازاد تقاضا برای منابع ایجاد شده و در این فضای جیره‌بندی شده منابع، هر بنگاه اقتصادی که از لحاظ سیاسی به منابع قدرت نزدیک‌تر است، جیره بیشتری را نصیب خود خواهد کرد. نمودار (۳) نرخ سود واقعی (تفاوت نرخ سود سپرده یک‌ساله با نرخ تورم) نظام بانکی در دوره۹۲-۱۳۸۳ را به تصویر می‌کشد. چنانچه ملاحظه می‌شود این نرخ منفی و بطور متوسط معادل ۳/۵- درصد است. به عبارت دیگر در یک اقتصادی که کمبود سرمایه وجود دارد و نرخ سود (بهره) در مقایسه با سایر کشورها بایستی

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-11]

بالاتر باشد، نه تنها بالا نبوده بلکه منفی بوده است. این بیانگر روندی غیرعقلانی در یکی از مهمترین متغیرهای بازار پول یعنی نرخ سود است.

نمودار ۳. نرخ سود حقیقی نظام بانکی در دوره۹۲-۱۳۸۳

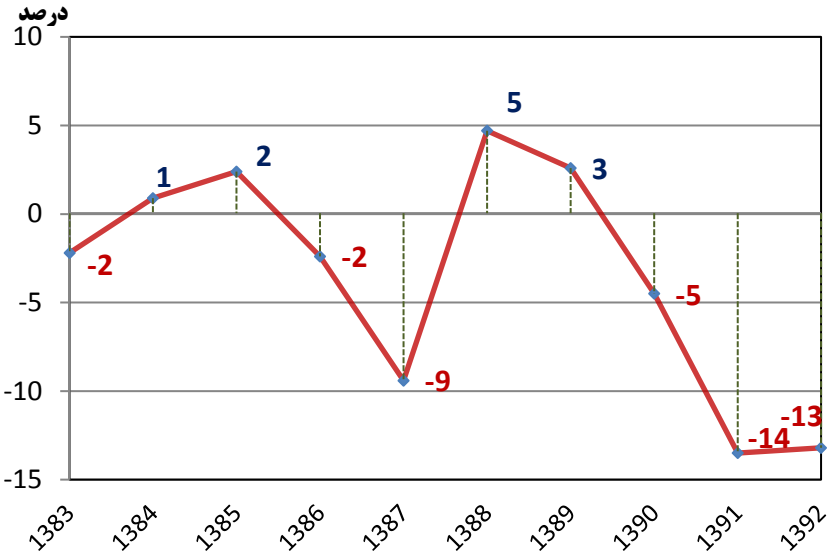

منبع: آمارهای بانک مرکزی ایران، سال‌های مختلف

مقایسه نرخ سود سپرده‌ها با نرخ سود تسهیلات عقود مبادله‌ای:

نظام بانکی ایران را می‌توان به عنوان یک استثنا در نظر گرفت که در آن نرخ سود سپرده‌ها (spreed)، سالها منفی بوده است. از تفاضل نرخ سود سپرده‌ها و تسهیلات اعطایی، نرخ اسپرید بدست می‌آید که نشان می‌دهد میزان سودی که نصیب نظام بانکی می‌شود چقدر است. این نرخ در ایران منفی بوده و حکایت از فقدان توجیه اقتصادی قابل قبول در نظام تصمیم‌گیری بانکی دارد. البته این نرخ در سال ۱۳۹۳ ترمیم شده و به ۱- کاهش یافته و حکایت از حرکت نسبی به سمت یک تصمیم اقتصادی است. نتیجه نرخ اسپرید منفی در دهه اخیر به صورت آشفتگی در بازار پول، ایجاد فضای رقابت ناسالم، وضعیت مالی نامناسب اکثر بانک‌ها به‌ویژه بانک‌های دولتی و حساب آرایی در اکثر بانک‌های خصوصی با هدف نشان دادن سود به سهامداران شده است. نمودارهای (۴)و(۵)بهتوصیف این موضوع پرداخته‌اند.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-11]

نمودار ۴. مقایسه نرخ سود تسهیلات و سپرده‌ها در دوره ۹۲-۱۳۸۳

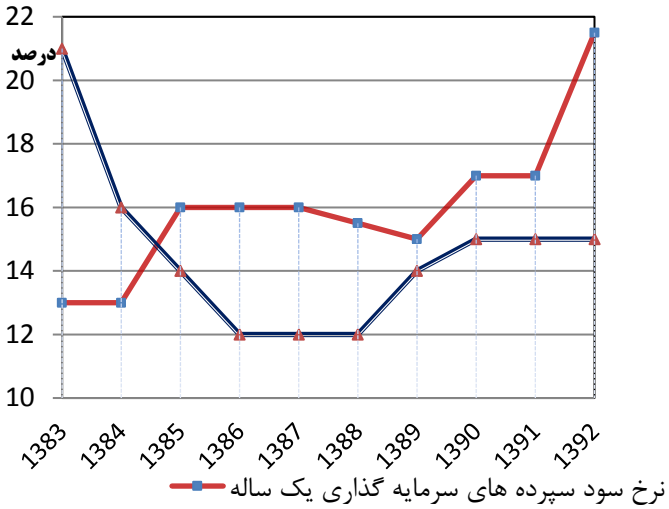

منبع: آمارهای بانک مرکزی ایران، سال‌های مختلف

نمودار ۵. روند نرخ اسپریدنظام بانکی در دوره ۹۳-۱۳۸۳

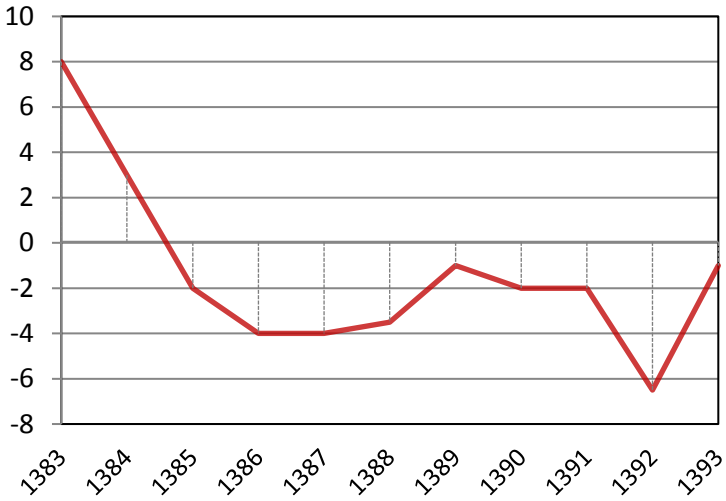

منبع: آمارهای بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران – سال‌های مختلف

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-11]

منفی بودن نرخ سود حقیقیو بالا بودن نرخ سود سپرده‌ها در مقایسه با نرخ سود تسهیلات عقود مبادله‌ای در بازار پول ، یک سری نابسامانی در نظام تأمین مالی بوجود آورده است که در ادامه به برخی از مهمترین آن‌ها اشاره می‌شود.

۳-۳- دشواری کارآمدی و کارآفرینی

یک معیار مشهور انتخاب بهترین پروژه‌ها برای سرمایه‌گذاری با هدف تحقق کارایی، نرخ بازده داخلی[1] است. تنها طرح‌های سرمایه‌گذاری می‌توانند در منحنی کارایی نهایی سرمایه قرار گیرند که به ترتیب بالاترین نرخ بازده داخلی را داشته‌باشند. پروژه‌هایی که نرخ بازده داخلی آنها پایین‌تر از نرخ بهره (سود) بازار باشند، از اولویت‌های سرمایه‌گذاری حذف شده و به این ترتیب حداکثرسازی کارایی حاصل می‌شود. حال اگر نرخ سود واقعی بدون ملاحظات مالی و اقتصادی (عقلانیت متعادل مالی) تعیین شود، پروژه‌هایی که دارای توجیه اقتصادی نبوده و دارای نرخ بازده پایینی هستند، در اولویت سرمایه‌گذاری قرار گرفته و با بهره‌گیری از رانت‌های مختلف، از طریق نهاد بازار پول تأمین مالی می‌شوند. این امر سبب از بین رفتن کارایی حال و کارآفرینی آینده در سرمایه‌گذاری می‌شود.

خروج از منطق سرمایه‌گذاری:

بر اساس مبانی سرمایه‌گذاری در فضای کسب و کار بر مبنای عقلانیت مالی میانه، اشخاص حقیقی و حقوقی در تصمیم‌گیری برای تأمین مالی جهت راه‌اندازی یک بنگاه اقتصادی یا شروع یک فعالیت اقتصادی، ابتدا به منابع ارزان قیمت داخلی شامل دارایی‌های مالی و فیزیکی شخصی یا حقوق صاحبان سهام یا پذیره نویسی برای جذب شرکای جدید و...تکیه می‌نمایند. در صورت فقدان چنین منابعی، به سراغ سایر منابع تأمین مالی نظیر اوراق قرضه حرکت کرده و در نهایت بازار پول را به عنوان منبع تأمین مالی کوتاه مدت انتخاب می‌نمایند. اما در ایران به دلیل منفی بودن نرخ سود حقیقی، سرمایه‌گذاران، علیرغم داشتن منابع مالی داخلی، ابتدا بانک را به عنوان نهاد تأمین مالی منابع ارزان انتخاب می‌نمایند. در صورت عدم دستیابی به این منابع ارزان، از درگیر نمودن منابع داخلی خود در طرح مورد نظر(به‌ویژه در بخش تولید) صرفنظر می‌نمایند. این امر سبب شده است اکثر مشتریان، تنها به خاطر رانت نرخ سود، تقاضای تسهیلات می‌کنند. در نتیجه منطق سرمایه‌گذاری در کشور به هم ریخته است. از این رو منطقی کردن نرخ سود در نظام بانکی باعث می‌شود که تقاضای واقعی منابع بانکی معین شده و رانت حاکم در این عرصه از بین برود.

1. IRR: Internal Rate of Return

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-11]

پارادوکس مازاد نقدینگی در کلان و کمبود در خرد:

روند غیرعقلانی در بانکداری ایران به گونه‌ای است که نوعی پارادوکس را حاکم ساخته است. به این صورت که ادبیات نظری و تجربی اقتصاد ایران، از یک طرف مملو از کارهای تحقیقاتی در خصوص رشد لجام گسیخته نقدینگی و سفارش کارشناسان برای مهار این رشد (به دلیل تورم ناشی از آن) می‌باشد. از سوی دیگر جامعه با تقاضای تسهیلاتی سنگین بنگاه‌های اقتصادی برای تأمین نقدینگی از نظام بانکی و عدم توان بانک‌ها برای پاسخگویی به این تقاضای سنگین مواجه است. به عبارت دیگر کشور با مازاد نقدینگی در کلان و کمبود شدید نقدینگی در خرد روبرو است. یکی از دلایل اصلی این تناقض، عقلانی نبودن نرخ سود بانکی است. بطور کلی در جامعه‌ای که مازاد تقاضا برای نقدینگی پول وجود دارد، نرخ سود برای تخصیص بهینه بایستی بالا باشد. این در حالی است که این نرخ در ایران منفی بوده و به پارادوکس یاد شده دامن می‌زند.

قفل شدن منابع و عدم امکان تأمین مالی کارآفرینان:

پایین بودن نرخ سود بانکی در مقایسه با سایر نرخ‌ها در یک اقتصاد عقلانی و مطلوبیت حاصل از اخذ و نگهداری منابع بانکی برای مشتریان باعث قفل شدن منابع بانکی از دو جنبه مختلف شده‌است که یکی در قالب عبارت

تسهیلات همیشه سبز:

قابل طرح است. به این صورت که بنگاه‌های اقتصادی فارغ از اینکه در چه دوره زمانی به بهره‌برداری رسیده‌اند، دارای تسهیلات اخذ شده از نظام بانکی هستند و بانک‌ها همواره به این واحدها تسهیلات پرداخت کرده و بر اساس تقاضای آنها و نرخ تورم معمولا این تسهیلات را افزایش می‌دهند. این نوع تسهیلات همیشه سبز، به نوعی منابع قفل شده بانک‌ها می‌باشند که قدرت تأمین مالی جدید را از بانک‌ها گرفته‌اند. دیگری را می توان با عنوان

مطالبات غیرجاری

مورد اشاره قرار داد. نرخ سود پایین تسهیلات در بانک‌ها به‌ویژه در سال‌های اخیر و فقدان حسابرسی بانک و مشتری باعث شده است که شرکت‌های بدهکار تمایلی به بازپرداخت منابع ندارند. جالب توجه است که بر اساس خوش بینانه‌ترین آمارها، این رفتار شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی حدود ۲۰ درصد منابع بانک‌ها را قفل کرده است. از سوی دیگر، نهادی برای پاسخ گویی به کارآفرینان جدید و نیروی انسانی نخبه و تحصیل کرده برای حمایت مالی وجود ندارد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-11]

۴- تحلیل چالش‌ها در راستای الگوی پیشنهادی

الگوی پیشنهادی در این مقاله با توجه به مبانی نظریه عقلانیت مالی میانه از یک سو و آموزه‌های شریعت از سوی دیگر است. مالیه میانه با رویکرد عقلانی بر ابزارهای استاندارد مالی و بانکی، دوری از نقش گروه‌های فشار مالی، توجه به نظرات و مقررات‌گذاری بهینه استوار است (Rosenbaum &Peari 2013, Lanchester 2014, Burnel 2012, Fox 2011, Geither 2014, Calomiri 2014, Prians 2014, Middlecoop 2014).

در صورت مقایسه و بررسی عمیق مالیه شریعت، سازگاری معنی‌داری بین آن و الگوی میانه قابل درک است. در این قسمت نابسامانی‌های اجرایی درون بانکی بیان می‌شوند که باز هم ریشه در کم توجهی به مبانی عقلانیت مالی متعادل دارند.

عدم شفافیت در آمار و اطلاعات مالی مشتری:

مبتنی بودن بانکداری بدون ربا به اقتصاد واقعی به عنوان مهمترین نقطه قوت این دستگاه مطرح بوده و حتی برخی از محققان، این موضوع را مرز بین بانکداری بدون ربا با بانکداری متعارف قلمداد می‌کنند. بانکداری مبتنی بر اقتصاد واقعی این ظرفیت را دارد که یک پیوند منطقی بین صاحبان سرمایه و سود واقعی حاصل از فعالیت اقتصادی ایجاد نماید و بهترین روش برای ایفای رسالت "واسطه‌گری مالی" باشد. از منظر دیگر تکیه بانکداری بدون‌ربا به اقتصاد واقعی می‌تواند بطور بالقوه موجب اثربخشی در رشد و توسعه اقتصادی کشور شده و از بروز بحران‌های دوران مختلف کسب و کار جلوگیری نماید. چون این بحران‌ها بطور اساسی ریشه در اعطای اعتبارات غیرواقعی، انتشار اوراق بهادار بدون پشتوانه قابل قبول، فعالیت‌های سفته بازانه صرف و موارد مشابه دارد. در عین حال شرط اجرای دقیق بانکداری بدون‌ربا، آماده بودن بسترهای سخت‌افزاری و نرم‌افزاری به‌ویژه شفافیت آمار و اطلاعات مالی مشتریان و امکان نظارت بر تراکنش‌های مالی مشتری (طرف معامله یا شریک در قراردادهای اعتباری) می‌باشد. در نظام بانکی ایران، به دلیل فقدان بانک اطلاعاتی مالی، استوار کردن نظام بانکی بر اقتصاد واقعی بسیار سخت است. مشکل دیگر فقدان ابزارهای لازم برای رصد نمودن تراکنش مالی و میزان سودآوری مشتری برای شناسایی و تقسیم سود در عقود است. به عبارت دیگر در کشوری که شفافیت آمار و اطلاعات وجود ندارد، اجرای بانکداری بدون‌ربا که در آن باید بانک به عنوان شریک یا طرف معامله همه اطلاعات مالی را داشته باشد، تقریباً غیرممکن است و تا زمانی که این موضوع حل نشود، شبهات حاکم در جامعه در مورد بانکداری بدون‌ربا از بین نخواهد رفت. به نظر می‌رسد اجرای بانکداری بدون‌ربا در کشورهای توسعه یافته که در آن‌ها نظام شفاف آمار و اطلاعات بر پایه عقلانیت مالی بوجود آمده، به مراتب راحت‌تر از کشوری

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-11]

مانند ایران می‌باشد که تنها بر شعار بانکداری بدون ربا استوار است ولی در عمل بسترهای لازم را فراهم نساخته است.

فقدان رویه عقلانی و قانونی در شناسایی و تقسیم سود مشاع:

بر اساس مبانی عقلانی و قانون عملیات بانکی بدون‌ربا، بانک‌ها وکیل سپرده‌گذاران می‌باشند و بر اساس تعهدی که دارند بایستی منابع موکلین خود را در فعالیت‌هایی بکار ببرند که بالاترین نرخ بازدهی را داشته و پس از کسب سود مشاع، نسبت به تقسیم آن بین سپرده‌گذاران اقدام نموده و برای خود بابت انجام این موضوع، حق‌الوکاله دریافت نمایند. می‌توان با اطمینان گفت که این رویه در هیچکدام از بانک‌های کشور به شکل قابل قبولی اجرا نمی‌شود. زیرا بانک‌ها بدون توجه به موضوع میزان سود کسب شده واقعی از معاملات، به‌صورت علی‌الحساب، سود سپرده به مشتری پرداخت می‌نمایند. از این رو هیچ وقت سود واقعی شناسایی نمی‌شود. به همین خاطر است که علاوه بر ناکارآمدی نظام بانکی، شبهه غیرشرعی بودن عملیات بانکی نیز وجود دارد. بررسی عملکرد برخی از بانک‌های کشور نشان می‌دهد که به دلیل منفی بودن نرخ اسپرید بانکی، نسبت بالای مطالبات غیرجاری، هزینه‌های بالای غیرعملیاتی و...، نرخ سود واقعی بانک‌ها در سال‌های اخیر کمتر از نرخ سود علی الحساب سپرده‌ها بوده است. همچنین بانک‌ها به دلیل حفظ مشتری و دلایل مشابه، از حق‌الوکاله خود کسر نموده و یا با داشتن زیان واقعی، فعالیت خود را انجام می‌دهند.

تسهیلات تکلیفی و تبصره‌ای

بر اساس مبانی منطقی و عقلایی هر گونه دخالت دولت و سایر نهادهای حکومتی در بانک‌ها (حتی در بانک‌ها دولتی)، نه لازم است و نه معقول. اما در ایران بر عکس است. مطالعه این موضوع در یک بانک تجاری نمونه دولتی نشان می‌دهد که حدود ۱۵ درصد از کل تسهیلات اعطایی مربوط به مطالبات دولت به بانک می‌باشد، حدود ۱۴درصد مربوط به تسهیلات تکلیفی و تبصره‌ای و حدود ۱۰ درصد مربوط به تسهیلات بنگاه‌های اقتصادی زودبازده بوده است. به عبارت دیگر مدیریت حدود ۲۹ درصد منابع بانک‌ها (بویژه بانک های دولتی) در دست نظام بانکی نبوده و افرادی به‌غیر از وکلای سپرده‌گذاران در هدایت آن تصمیم‌گیری می‌نمایند.

محدود کردن عقود با تدوین دستورالعمل‌های اجرایی:

در قانون عملیات بانکی بدون ربا، عقود اسلامی با ظرفیت‌های قابل قبولی ارایه شده است. ولی دستورالعمل‌های غیرمنطقی، این عقود را محدود و ناکارا کرده است. این باعث شده نظام بانکی در

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-11]

شرایط خاصی به سمت عملیات صوری جهت برآورده نمودن نیازهای مالی مشتریان خود حرکت کند. در طول سه دهه اجرای قانون بانکداری بدون ربا در ایران (از ۱۳۶۳ تا ۱۳۹۳)، این محدودیت‌ها بیشتر شده است. اما از سوی دیگر در همین مدت نیازهای مردم در تأمین مالی روز به روز بیشتر و متنوع‌تر شده است. این خود نوعی نشانه ناکارآمدی سیستم است. به عنوان نمونه برخی از محدودیت‌هایی که در عقود مختلف وجود دارد، در این قسمت اشاره می‌شود

۱- با توجه به ماهیت عقد قرض‌الحسنه، مالکیت تسهیلات پرداختی در قالب این عقد منتقل شده و بر این اساس از این عقد می‌توان در هر بخش اقتصادی و در تأمین نیازهای شخصی استفاده نمود. اما بر اساس دستورالعمل اجرایی در ایران این عقد تنها در بخش خاص و برای افراد خاص می‌تواند منابع ایجاد نماید

۲- عقد اجاره و اجاره به شرط تملیک دارای ظرفیتی است که می‌تواند اکثر نیازهای اعتباری مشتری حتی تأمین مالی برای پرداخت بدهی را برآورده نماید. در حال حاضر شرکت‌های لیزینگ از این عقد استفاده وسیعی می‌برند. چنانچه بانک بخواهد نسبت به تأمین مالی مشتری از طریق عقد اجاره به شرط تملیک اقدام نماید، بایستی دستورالعمل اجرایی عقد اجاره به شرط تملیک تغییر نماید و بانک‌ها به جای اینکه خرید ملک را از اشخاص ثالث انجام دهند و به مشتری در قالب اجاره به شرط تملیک واگذار نمایند، بتوانند ملک خود مشتری را خریداری کرده و سپس به صورت اجاره به شرط تملیک واگذار نمایند. این راهکار می‌تواند در تأمین نقدینگی واقعی (نه صوری) مشتری و بدون مشکل شرعی اثربخش باشد.

۳- در عقد مضاربه اجرا شده در نظام بانکی، بانک‌ها به عنوان عامل، سرمایه خود را برای خرید یک کالای خاص (مضاربه خاص) و فروش کالای خریداری شده (مضاربه برای یک بار خرید و فروش) در اختیار عامل یا مشتری قرار می‌دهند. در اکثر کسب و کارهای متعارف امروز، رعایت این موضوع غیرممکن است. بنابراین برای کاهش قراردادهای صوری، نظام بانکی می‌تواند مضاربه را بر پایه عقلانیت میانه مالی و عرف بازار، سازماندهی نماید.

فقدان نظام اعتبارسنجی، قانون ورشکستگی، آزمون فشار و عدم ارتباط بین المللی

بازار مالی ایران فاقد یک نهاد قانونی هم برای ارزیابی عملکرد دستگاه مالی و هم برای سنجش اعتبار اشخاص حقیقی و حقوقی است.این موضوع به عنوان یکی از مهمترین شاخص‌های کم توجهی به عقلانیت متعادل در نظام های تأمین مالی بطور کلی و نظام مالی ایران بطور خاص می‌باشد. در ایران در ظاهر شرکت مشاوره و رتبه‌بندی اعتباری که بر اساس قانون تسهیلات بانکی و کاهش هزینه‌های طرح و تسریع در اجرای طرح‌های تولیدی و افزایش منابع مالی و کارایی بانک‌ها"

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-11]

در سال ۱۳۸۶ تأسیس شد متولی اعطای انجام اعتبارسنجی و اعطای مجوز بـه موسسـات سـنجش اعتبار می‌باشد. جالب توجه است که این شرکت دست کم تا ۷ سال پس از تاسیس خود (۱۳۸۶ تـا ۱۳۹۳) فعالیـت خـود را در زمینـه اعتبارسـنجی شـروع نکـرده اسـت. حـداقل تـا آسـتانه سـال ۱۳۹۴مجوزی نیز در این مورد صادر نشده است. فقدان چنـین نهـاد مهمـی در نظـام تـأمین مـالی کشور باعث بوجود آمدن چالش‌ها و آسیب‌های زیادی در بازار پولی، مالی و بانکی کشـور شـده کـه نسبت بالای مطالبات غیرجاری به تسهیلات اعطایی یکی از آنها قلمداد مـی‌شـود. همچنـین عـدم شکل گیری قانون ورشکستگی موسسات مالی وبانکی و نبـود فعالیـت مهـم آزمـون فشـار از دیگـر مشکلات نظام بانکی و مالی ایران است که فاصله آن سیستم ها را با روند عقلانی حاکم بر بازارهـای مالی رقیب بیشتر می کند. در صورت کارکرد مناسب قانون ورشکستگی، هر بنگـاه مـالی نـاتوان از صحنه رقابت خارج می شود. بر اساس آزمون فشار، موسساتی که توان رقابت مالی و اقتصادی معنی داری را دارا هستند به فعالیت خود ادامه می دهند. در حال حاضر و به دلیل نبود این نهادهای مالی ارزشمند، دستگاه مالی و بانکی با مشکلات وسیعی مواجه است. به عنوان مثال تعداد قابل توجهی از موسسات مالی و پولی در عمل ورشکسته هستند، اما به دلیل نبـود دسـتگاههای نظـارتی کارآمـد، عمل نکردن به مفاد مقررات ورشکستگی و شاخص های آزمون فشار، به صورت بسیار پر هزینـه ای به کار خود ادامه می دهند. یا اینکه با پشتوانه گروههای فشار سیاسی و مالی مورد حمایت قرار می گیرند. بدیهی است هزینه اصلی این نارسایی ها و ناکارآمدی در واقع بر اکثریت جامعه تحمیل مـی گردد. یک دشواری دیگر دستگاه بانکی و مالی ایران فقدان ارتباط معنـی دار و قـانونی بانـک هـا و دیگر موسسات مالی با مالیه بین الملل است. ارتباط منطقی بانک های داخلی با دنیای مالی و بانکی هم رقابت پذیری بانک ها را آزمون می کند و هم به منافع بالقوه در سطح جهانی وصل می شوند.

عدم تمرکز بر درآمدهای کارمزدی:

علیرغم اینکه نظریه بانکداری بدون ربا به درآمدهای کارمزدی تکیه بیشتری دارد، اما عملکرد نظـام بانکی ایران نشان می‌دهد که از کل درآمدهای کسب شده بانک‌ها کمتر از ۲ درصد بـه کارمزدهـای بانکی اختصاص دارد. این درحالی است که تنها هزینه‌های پرسنلی بانک‌ها بیش از ۱۰ درصـد کـل هزینه‌ها را تشکیل می‌دهد(ترازنامه بانک‌های مختلف). برای ایجاد تغییرات ساختاری در بانک‌هـا بـا هدف کاهش هزینه‌های تأمین مالی، بایستی رویکرد نظام بانکی به سمت اخـذ کارمزدهـای واقعـی حرکت نماید تا ضمن بهبود وضعیت تأمین مالی، جذابیت لازم برای توسعه زیرساخت‌های بانکداری الکترونیک و دیگر تحولات تکنولوژی جدید فراهم شود.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-11]

الزامات اصلاح در قوانین، ساختار و تقویت بازوهای نظارتی

برای ارتقاء نظام تأمین مالی، اصلاح قوانین و مقررات از جمله به‌روز نمودن قانون عملیات بانکی بدون‌ربا و قانون نحوه اداره کردن بانک‌های دولتی و... با تکیه بر عقلانیت انجام پذیرد.تا پایان دهه ۱۳۷۰ تنها بانک‌های دولتی در عرصه بازار پول حضور داشتند. با حضور بانک‌های خصوصی از سال ۱۳۸۰ در بازار پول کشور و نقش توسعه‌ای بانک‌های دولتی (تجاری و تخصصی) و ورود موسسات مالی و اعتباری و صندوق‌های متعدد در این عرصه با توجه به الزامات مربوطه، مناسب بود که نوعی اصلاح ساختار در مورد آنها صورت گیرد. متاسفانه این اصلاح ساختار حداقل تا آستانه ۱۳۹۴ صورت نگرفته است. در عین حال یک مشکل کلیدی دیگر در نظام بانکداری ایران غیر واقعی بودن نام "خصوصی" بر برخی از بانک ها می باشد. با وجود اسم خصوصی، تعداد قابل توجهی از موسسات پولی و اعتباری و تعدادی از بانک ها به معنای واقعی خصوصی نمی باشند. تنها بانک سامان آنهم در مواردی می تواند به معنای واقعی خصوصی دانسته شود. دشواری کلیدی در این رابطه فقدان قانون مالکیت شفاف و وجود گروههای فشار اقتصادی می باشد. همچنین به دلیل ضعف سیستم‌های نظارتی بانک مرکزی به‌ویژه با گسترش بانک‌های خصوصی در سال‌های اخیر، قوانین و مقررات حاکم بر نظام بانکی و حتی نرخ سود ابلاغی به‌عنوان مهمترین شاخص سودآوری در بانک‌ها، به‌صورت سلیقه‌ای اجرا می‌شود. بانکی که به رعایت ضوابط و مقررات ابلاغی می‌پردازد، در نهایت متضرر شده و بانکی که توجهی به قوانین و مقررات ندارد، سهم خود را از بازار پول گسترش داده و هیچگونه محدودیتی برای آن بوجود نمی‌آید.

محدود شدن تأمین مالی از طریق ابزارهای بازار سرمایه

بررسی ترازنامه بانک‌های کشور نشان می‌دهد که دارایی‌های بدون بازده به‌ویژه دارایی‌های ثابت باعث فربه شدن تراز بانک شده و چابکی و سودآوری را از بانک‌ها سلب کرده است. یکی از راهکارهای عقلانی در بهبود وضعیت نظام بانکی و تبدیل دارایی‌های بدون‌بازده به منابع قابل استفاده، بهره‌گیری از بازار سرمایه می‌باشد. دارایی‌های اصلی بانک‌ها که در قالب تسهیلات اعطایی در ترازنامه ثبت شده‌اند به دلیل نرخ سود پایین تسهیلات، امکان تبدیل به منابع در بازار سرمایه را ندارند. در حال حاضر تنها دارایی‌های ثابت (املاک و مستغلات) بانک‌ها از طریق انتشار صکوک اجاره توان تبدیل شدن به منابع را دارند. رفع مشکلات تعامل بانک‌ها با بازار سرمایه بر مبنای عقلانیت اقتصادی می‌تواند باعث بهبود در نظام تأمین مالی در نظام بانکی کشور شود.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-11]

ابعاد کلی مدل پیشنهادی

با توجه به مطالب ذکر شده در قسمت های قبلی و اینکه آموزه های دینی مربوط به امور مالی بر پایه عقلانیت نهاده شده و قانون بانکداری بدون ربا هم برهمان پایه استوار است، رعایت نکردن مبانی عقلانیت مالی و نظرات اجماعی عقلا قابل دفاع نبوده و باعث ایجاد نوسانات و شوک‌های مختلف دربازار پول کشور می‌شود. بنابراین مطالعه، بررسی و طراحی بانکداری برپایه عقلانیت مالی میانه باعث بهبود در رویه‌های بانکی و به دلیل افزایش سرمایه‌گذاری، باعث رشد توسعه کشور خواهد شد.آسیب‌شناسی انجام شده در خصوص دشواری های حاکم بر نظام بانکداری کشور نشان داد که چند عامل اصلی باعث ناکارایی نظام بانکی می‌شود برای بهبود بانکداری ،رفع آن عاملها، نهادینه کردن نظام تصمیم‌گیری، اجرا و کنترل بر پایه عقلانیت متعادل مالی الزامی می‌باشد.نمودار (۶)نماد کلی بانکداری پیشنهادی بر پایه عقلانیت مالی را با توجه به متغیرهای بررسی شده در این مقاله ارایه می‌نماید. با فرض شفافیت آمار و اطلاعات ،عزم جدی سیاست گذاران برای اجرای الگوی جدید ،توجیه کافی مردمی و فراهم شدن بسترهای نرم افزاری و سخت افزاری می توان الگوی زیر را آزمون جدیدی از بانکداری بدون ربا بر اساس الگوی عقلانیت میانه مالی دانست.

نمودار ۶. لوازم اجرایی بانکداری بدون ربا بر پایه مالیه عقلانیت متعادل

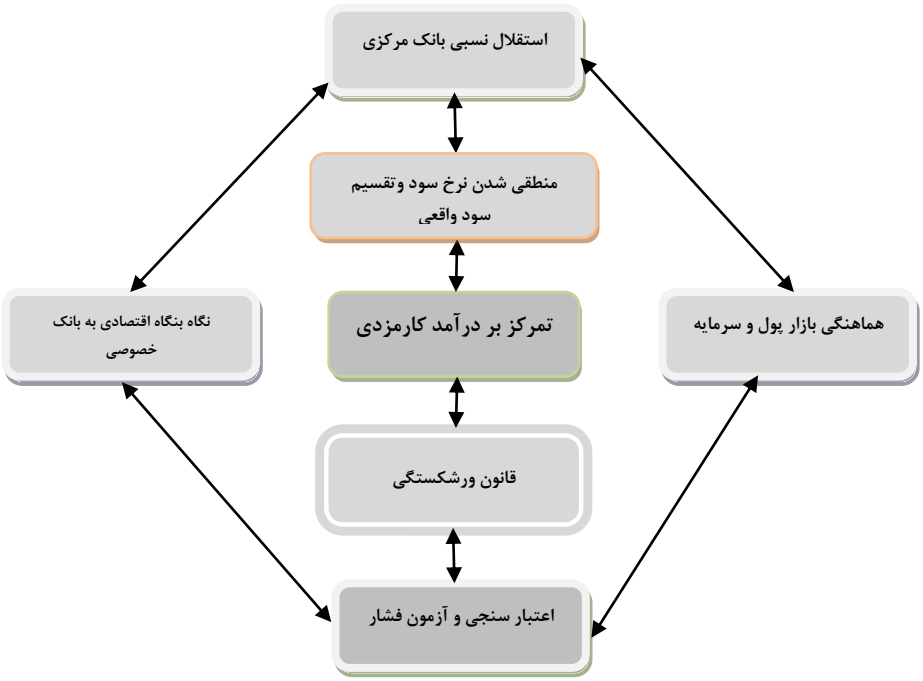

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-11]

۵- نتایج قابل ملاحظه

۱- بررسی دقیق بانک داری کشور از جنبه عقلانیت مالی متعادل نشان می‌دهد آموزه های اسلامی بر پایه یک سلسله مبانی عقلانی پایه‌ریزی شده‌است. از این رو هرگونه تراکنش مالی که دارای پشتوانه اقتصاد حقیقی و واقعی باشد و از این طریق منجر به کسب سود شود، از نظر شریعت پذیرفته شده است. این باعث شده که ابعادی از بانکداری بدون ربا در دهه اخیر مورد توجه قرار گیرد.برخی تفاوت ها بین عصر تشریع با دوره کنونی از لحاظ ساختار اقتصادی، نهادی و به‌ویژه در بازار مالی وجود دارد که با توجه به آن، انجام اصلاحاتی لازم به نظر می رسد. اینها را می توان در راستای طراحی مدلی مالی بر پایه عقلانیت مالی متعادل به پیش برد. کارکرد پول، نقش بانک، کارکرد بدهی، ماهیت دولت و نقش آن در اقتصاد، تجارت و مالیه بین‌الملل، تورم، تغییر نقش سرمایه، تحولات جهانی شدن وسایر تغییرات قرن ۲۱ امی از این نمونه هستند.

۲- کم توجهی به اجماع عقلای مالی و بانکی در نظام تصمیم‌گیری کشور در سیستم پولی و بانکی، بی توجهی به تحولات عظیم پولی و بانکی، نظریه ها و تجربه های جدید مالی و بانکی و موارد مشابه آن، چالش‌هایی را بوجود آورده‌است. برخی از اینها عبارتند از: فقدان انسجام و یکپارچگی در بازار مالی، تناقض در کارکردهای بازار پول و سرمایه، فقدان هماهنگی در اجرای سیاست‌های پولی و مالی، فقدان نگاه بنگاه اقتصادی به بانک‌ها، نبود موسسه های مالی اعتبار سنج، قانون ورشکستگی،منطقی نبودن نرخ سود و مانند آن در نظام بانکی. نظام تصمیم‌گیری، تصمیم‌سازی و اجرا در درون شبکه بانکی نیز از کم توجهی های بیان شده متأثر شده و اقداماتی را انجام می‌دهد که مشکل آفرین می‌باشد.مهمترین اینها عبارتند از: عدم شفافیت در آمار و اطلاعات مالی مشتری، فقدان رویه شرعی و قانونی در شناسایی و تقسیم سود مشاع، تسهیلات تکلیفی و تبصره‌ای وسیع، محدود کردن عقود ، عدم تمرکز بر درآمدهای کارمزدی، و مانند آن (Fox 2011).

۳- با نهادینه کردن نظام بانکداری کشور بر پایه عقلانیت متعادل مالی و با کمک اجماع عقلای بانکی و اقتصادی که در این مقاله در قالب چندین مولفه و متغیر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت، می‌توان الگوهای بانکداری مختلفی را طراحی و اجرا نمود. الگوپیشنهادی: نخست بر بانکداری بدون رباولی بر پایه عقلانیت متعادل مالی و اخلاق کسب و کار استوارمی باشد. دوم از تمامی ظرفیت های بانکداری متعارف در دنیای پیشرفته بهره گرفته ارتباط با مجامع مالی و بانکی جهانی را جدی قلمداد می کند. سوم دولت و بانک مرکزی مستقل جهت پایداری این دستگاه جدید همکاری جدی بعمل می آورند. چهارم قوانین مالکیت شفاف ، حرکت همه بر اساس قانون، حذف گروههای فشار از دستگاه بانکی از دیگر لوازم کارکرد موفق الگوی جدید می باشد. پنجم در این الگو از یک سو بانک های خصوصی ضمن ارائه خدمت، سود می برند، مردم به دستگاه بانکی اعتماد

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-11]

می کنند، دشواری‌ها با بررسی کارشناسانه حل و فصل می شود و امری خلاف شریعت هم صورت نمی گیرد.سرانجام ناکارآمدی های موجود دستگاه بانکی و پولی به سمت حل و فصل منطقی پیش می رود، هزینه سنگینی که در حال حاضر جامعه در این عرصه می پردازد آرام آرام به سوی صفر میل می کند و بانکداری ایران هم همانند بانکداری دیگر جوامع متمدن حرکت می کند.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-11]

منابع و مآخذ

ابراهیمی سالاری، تقی (۱۳۹۱)، مقایسه تطبیقی عقلانیت در اقتصاد کلاسیک و اسلامی، بابلسر، همایش ملی اقتصادی دانشکده علوم اقتصادی و اداری.

افشاری، زهرا (۱۳۷۸)، هماهنگی سیاست‌های پولی و مالی و رشد پایدار غیرتورمی ،مجموعه مقالات نهمین کنفرانس سالانه سیاست‌های پولی و ارزی، تهران، پژوهشکده پولی و بانکی

پاشایی‌فام، رامین و اکبر کشاورزیان پیوستی (۱۳۹۰)، سیاست‌های پولی متناسب با طرح تحول اقتصادی، مجموعه مقالات بیست و یکمین همایش سالانه سیاست‌های پولی و ارزی، تهران، پژوهشکده پولی و بانکی

تراز نامه بانک مرکزی از سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۹۳

ترازنامه بانک ملی از سال ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۳

توتونچیان، ایرج(۱۳۷۹)، پول و بانکداری اسلامی و مقایسه آن با نظام سرمایه‌داری، تهران، توانگران.

دادگر، یدالله(۱۳۹۳)، مقدمه‌ای در آموزه‌های اقتصادی و مالی اسلام، تهران، نشر آماره.

-----، فرزین وش اسداله و محمد نژاد نیما (۱۳۹۳)، امکان‌سنجی مقاومت مالیه اسلامی در بحران‌های مالی، فصلنامه مدلسازی اقتصادی، سال هشتم شماره ۲۵.

----- و مرتضی عزتی(۱۳۸۲)، عقلانیت در اقتصاد اسلامی، فصلنامه پژوهشهای اقتصادی،شماره ۹.

----- و هادوی نیا، اصغر(۱۳۹۱)، مطالعه تطبیقی عقلانیت اسلامی با رویکرد شناختی، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۴۷ .

----- و فیروزان، توحید (۱۳۹۱)، چارچوبی برای تعیین نرخ سود در عقود مبادله ای، پژوهش های اقتصادی سال ۱۲، شماره ۴، ۱۰۲-۷۹

رضوی، مهدی (۱۳۹۳)، برنامه‌ریزی در سیستم‌های بزرگ مقیاس با نمونه‌های کاربردی در اقتصاد و نظام بانکداری اسلامی در ایران، تهران، مؤسسه عالی آموزش بانکداری.

سالاریه، احمد(۱۳۹۲)، احکام و اخلاق اقتصادی در اسلام، تهران، راه فردا.

سیف، ولی اله(۱۳۹۲)، ناهماهنگی سیاست‌های پولی و مالی و اثر آن بر نظام بانکی، مجموعه مقالات بیست و چهارمین همایش بانکداری اسلامی، تهران، موسسه عالی علوم بانکی.

شریفی، عباس(۱۳۸۸)، شریعت و عقلانیت در موج سوم روشنگری دینی ایران، تهران، گام نو.

صادقی تهرانی، علی (۱۳۸۶)، جستاری در چیستی و چرایی اقتصاد اسلامی، مجله راهبرد یاس، شماره ۱۲.

صدیقی، محمد نجات الله، و دیگران(۱۳۷۵) مباحثی در اقتصاد خرد: نگرش اسلامی، ترجمه حسین صادقی، تهران، پژوهشکده اقتصاد دانشگاه مدرس.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-11]

فرزین‌وش اسداله (۱۳۹۰)، الزامات اقتصاد اسلامی به‌عنوان علم بین رشته‌ای . فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی . شماره ۴۳.

کشاورزیان پیوستی، اکبر و سیدمحمد ضیایی بیگدلی(۱۳۸۵)، نقش تسهیلات بانکی در سرمایه‌گذاری خصوصی، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، شماره۲۱ .

گزارش عملکرد نظام بانکی کشور (۱۳۹۳)، بیست و پنجمین همایش سالانه بانکداری اسلامی.

مطهری، مرتضی (۱۳۶۴)، نظام اقتصادی اسلام، تهران، انتشارات حکمت.

میزگرد علمی راهبرد یاس (۱۳۸۶)، جستاری در چیستی و چرایی اقتصاد اسلامی، تهران، مجله راهبرد یاس، شماره ۱۲، ۱۳۸۶.

مینی، پیرو(۱۳۷۵)، فلسفه و اقتصاد، ترجمه مرتضی نصرت و حسین راغفر، تهران، علمی و فرهنگی.

Ahmad,H. (2011). Product development in Islamic bank, Edinburg university press.

Ashker, A and Wilson, R (2006), Islamic economics, Brill publishers.

Askari, H Mirakhor A and Eqbal, Z (2009), globalization and Islamic finance, Wiley

Behavioral Economics (2011), Can Islamic Banking Be Rational? Study mode.

Boubah, A. (2009), An Assessment of Risk Factors and Their Effects on the Rationality of Lending Decision –Making University of Southern Queensland.

Burnel. D and Burnel S (2012), financial independence, in 21-century financial ball game publisher.

Calomiri, W and Haber, S (2014), fragile by design, Princeton University press.

El-Gamal, M. (2006), A Simple Fiqh-and-Economics, Rice University.

El-Gamal, M. (2006). Islamic Finance, Law, Economics and Practice, New York, Cambridge University Press.

Fox, J (2011), the myth of the rational market, Harper business.

Geithner, F (2014), stress test, Erown press.

Goldman, D (2011), civilization die, Regneri publishing.

Hamzaee, R. G. & Baber, J. (2014), Ethics and Market Economic system, International Journal of Applied Management and Technology.

Hanna N (2002), money, land and trade, I.B Tauris publishers.

Kahf, M. (1999). Islamic Banks at the threshold of the Third Millennium, International Business Review.

Kahf, M. (2005), Islamic Banking and Development, Jeddah: Islamic Research and Training Institute, Islamic Development Bank.

Lanchester, J (2014), how to speak money, W. Norton.

Medhora R and Rowlands, D (2014), crisis and reform, center for international governance Innovation.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-11]

Middlekoop, W (2014), the big reset, Amsterdam university press.
Obaidullah, M. (2005), Islamic financial services, Islamic Economics Research, Abdul-Aziz University.
Prins, N (2014), all the president's banker national books publishers.
Rodinson, M (2007), Islam and capitalism, Sage publishing
Rosenbaum, J and Peari J (2013), investment-banking john Wiley.
Rosly, S.A. (2005). Critical issues on Islamic banking and financial markets, Kuala Lumpur, Dinamas Publishing.
Siddiqi, M. N. (٢٠٠٤), Reba, Bank Interest and the Rational of its Prohibition, Jeddah, Islamic Research and Training Institute.
Whitney J and Zavala, M (2014), the new economics of trust, Beard Books publisher.
Wise, C, Amijo, L and Katada S (2015), unexpected outcomes, Brookings institute press.
The feasibility of model – making of usury – free Banking based on the theory of financial middle Rationality

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-11]